

حذف حرف اضافه

دستور زبان فارسی

در زبان اصلی هندواروپایی که زبانهای ایرانی هم از آن مشتق شده حروف ربط و اضافه وجود نداشته است و رابطه میان اسم و اجزاء دیگر جمله را با صورت خاص صرفی آن بیان می‌کرده‌اند. بعدها که بر اثر تحول در بسیاری از زبانهای گروه هندو اروپایی صرف اسم منسوخ شد برای بیان رابطه اجزاء جمله کلمات خاصی بوجود آمد که آنها را «روابط» یعنی حرف اضافه و حرف ربط و موصول و غیره می‌خوانیم.

روابط دارای معنی مستقلی نیستند و تنها برای ایجاد رابطه میان اجزاء کلام بکار می‌روند. اما این کلمات در آغاز معنی خاص مستقل داشته‌اند و بر اثر استعمال در مورد ثانوی است که بتدریج معنی اصلی را از دست داده‌اند. اصطلاحاتی که گاهی در زبان‌شناسی برای این دونوع کلمه بکار می‌رود و مفهوم آنها از چینی اقتباس شده است الفاظ «تهی» و «پر» است.

کلمه «پر» آنست که بخودی خود معنی مستقلی دارد مانند اسم و صفت و قید و فعل و جز اینها. کلمه «تهی» به حروف اطلاق می‌شود که دارای معنی مستقل نیستند. این کلمات در زبانهای هندواروپایی همه در آغاز «پر» بوده و سپس بتدریج از معنی «تهی» شده‌اند.

در زبان فرانسه کلمه **Chez** که بمعنی «نزد» است از لفظ **Casa** لاتینی بمعنی خانه آمده است.

حروف اضافه فارسی نیز در زبانهای باستانی اکثر قید و ظرف بوده و بتدریج تنها در معنی حرف اضافه بکار رفته‌است. اما تحول زبان در آن قسمت که مربوط به حرف اضافه است

باینجا ختم نمی‌شود. این حروف بتدریج ضعیف می‌شوند و بنظر اهل زبان دیگر برای افاده مقصود کفایت نمی‌کنند، و چون زبان امری اجتماعی است و صراحت و دقت آن در بیان معانی مورد احتیاج و لزوم جامعه است همینکه در جزئی از اجزاء کلام برای ادای مقصود ضعیفی راه یافت آنرا تغییر می‌دهند یا با افزودن جزئی دیگر تقویت می‌کنند.

در حروف اضافه فارسی دری این دونوع تحول هر دو اتفاق افتاده است. در بعضی از موارد حرف اضافه ای را که معمول بوده است اهل زبان کافی برای بیان مقصود نشمرده و آنرا به حرف دیگری بدل کرده‌اند.

در ادبیات فارسی قرون چهارم تا هشتم حرف اضافه‌ای که با قیود زمان و مکان بکار می‌رفت حرف «به» بود:

دوش ناگاه به هنگام سحر

اندر آمد ز در آن شوخ پسر
(فرخی)

به سالی ز دستت جگر خون کنم

به يك ساعت از دل برون چون کنم
(سعدی)

از آن پس در این مورد حرف «به» را ضعیف شناخته و بجای آن حرف «در» بکار برده‌اند و اکنون اگر در روزنامه‌ای بخوانیم که «امسال به تابستان هوا گرم شده است» در ذهن غریب می‌نماید. تغییر بعضی از موارد استعمال «به» و «با» نیز از همین مقوله است.

اما تقویت حرف اضافه ضعیف با افزودن کلمه دیگری که اغلب معنی قید دارد صورت می‌گیرد. یکی از موارد استعمال حرف «از» در بیان علت و سبب است:

تن او از غم و تیمار تو چون موی شد دست

رخ چون لاله او زرد برنگ دینار
(فرخی)

حرف «از» برای این بیان معنی ضعیف شده است و باین سبب در ادوار بعد گاهی کلمه دیگری بآن افزوده‌اند:

تم از واسطه دوری دلبر بگداخت

جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت

(حافظ)

درانشای ادوار اخیر این شیوه استعمال بسیار معمول شده است، یعنی بدنبال هر يك از حروف اضافه کلمه دیگری برای تقویت آنها می آورند. از این قبیل است:

به وسیله - برطبق - در ظرف - به اتفاق - به انضمام -
به واسطه - از برای

اینجا مرحله دیگری از تحول آغاز می شود. کلمه ای که برای تقویت حرف اضافه آمده و دارای معنی مستقلی بود در آن مورد خاص معنی اصلی را از دست می دهد و تنها در حکم رابطه واقع می شود. در این حال حرف اضافه زائد بنظر می رسد و تمایلی به حذف آن مشهود می گردد.

این تمایل به حذف حرف اضافه از شیوه محاوره تأیید می گردد، زیرا که در محاوره عادی تا آنجا که در معنی تغییری حاصل نشود از ذکر حرف اضافه خودداری می کنیم، چنانکه می گوئیم:

«آقا خونه نیس» یعنی «در خانه نیست» «رفتم شمرون»
یعنی «به شمیران رفتم»

باین طریق است که در نوشته معاصران جمله هائی با حذف حرف اضافه و استعمال اسم یا قیدی بجای آن روبرو می شویم و باین گونه عبارات بر می خوریم:

«من وسیله یکی از دوستان اقدام کردم»
«طبق دستور رفتار کنید»

«ظرف يك هفته اطلاع دهید»

البته در نوشته ای که به درستی و فصاحت آن علاقه داریم باید از استعمال این گونه جمله ها، یعنی حذف حرف اضافه، و حتی از افزودن کلمه ثانوی به حرف خودداری کنیم

نسخه چاپی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی

در این کتاب به شرح و تفصیل در مورد این موضوع بحث شده است.

مبانی و قواعد نحوی و صرفی در زبان فارسی، دکتر سید محمد تقی میرزا، تهران، ۱۳۰۰ خورشیدی.